

نقد و معرفی کتاب :

از دکتر هوشنگ مقدر

A. H. Robertson, European Institutions:
Cooperation, Integration, Unification,
(London, N.Y.: Stevens/Mathew, 1973)

چاپ سوم کتاب «سازمانهای اروپائی» نوشته رابرتسون از انتشارات انستیتوی امور بین المللی لندن (London, Institute of world Affairs) بوسیله مؤسسه (Stevens) در لندن و (Mathew) در نیویورک در ۷۸ صفحه در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. چاپ اول این کتاب در ۱۹۵۹ و چاپ دوم آن در ۱۹۶۶ منتشر شد و اکنون چاپ سوم آن که تحولات سازمانهای اروپائی را تا ژانویه ۱۹۷۳ پی‌گیری میکند از طبع خارج شده است. رابرتسون چهره‌ای سرشناس در زمینه مسائل اروپائی است و علاوه بر تجربه عملی در سازمانهای اروپائی دارای تألیفات و تحقیقات متعدد در این زمینه است مانند «شورای اروپا بحقوق بشر»، «حمایت بین المللی حقوق بشر» «حقوق سازمانهای بین المللی اروپائی» و «مسائل حقوقی وحدت اروپا».

کتاب مورد بحث ما در ده فصل تدوین شده و در آخر هر فصل فهرست جامعی از مراجع و مأخذ مربوط بان فصل گردآوری شده است. بعلاوه در آخر کتاب متن اسناد و عهدنامه‌های مهم از قبیل اساسنامه شورای اروپا، مقاله‌نامه سازمان همکاری و توسعه اروپائی - اساسنامه پیمان ائتلاف شمالی - و موادی چند از عهدنامه‌های مهم دیگری چون عهدنامه رم و پاریس که عهدنامه‌های مؤسس بازار مشترک و جامعه ذغال و فولاد اروپائی میباشد ذکر شده است. در پیش گفتار، نویسنده رشد و گسترش سازمانهای اروپائی را معلول سه عامل

مهم میدانند: نخست آنکه پس از جنگ جهانی دوم صد ها سازمان بین المللی در زمینه های گوناگون اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و نظامی تأسیس و بکار مشغول شده اند. بزعم نویسنده ایجاد این همه سازمان جهانی که در تاریخ بیسابقه بوده است از روی هوا و هوس و خیال پردازی نبوده بلکه پاسخی عملی به نیاز مبرم کشورهای بهمکاری بایکدیگر در زمینه های مختلف فعالیت حکومت بوده است. دومین دلیل گسترش این قبیل سازمانها به رأی نویسنده، گسترش همکاریهای منطقه ایست: از آنجا که آرمانهای سازمانهای جهانی به علت عدم تجانس فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشورهای جهان صورت تحقق نیافته لذا همکاری در سطح محدودتر بعلت سختی و تجانس بیشتر بصورت همکاری منطقه ای جلوه گرفته است. و سرانجام سومین دلیل گسترش سازمانهای اروپائی نیاز مبرم کشورهای اروپائی بهمکاری با یکدیگر در دوران پس از جنگ بوده است. از آنجا که در اثر جنگ تأسیسات اقتصادی کشورهای اروپائی منهدم شده بود و آمریکا و شوروی بصورت مراکز عمده قدرت جهان درآمده بودند اگر قرار بود اروپا در آینده نقشی میداشت باید متحد میگردد. بعلاوه می بایست طریقی یافت میشد تا از وقوع جنگ دیگری بین آلمان و فرانسه جلوگیری بعمل آید هدف از طرح «شومن» که منجر به تأسیس بازار ذغال و فولاد اروپا در ۱۹۵۱ گردید همین بود.

رابرتسون انواع سازمانهای اروپائی را بدو صورت طبقه بندی کرده است. در طبقه بندی نخست سازمانها را از روی نوع وظایفشان تقسیم بندی کرده چنانکه آنها را بسازمانهای باصلاحیت عمومی و صلاحیت تخصصی تقسیم میکند مثال سازمان باصلاحیت عمومی شورای اروپاست که هدف آن بطور کلی تأمین نزدیکی و وحدت هرچه بیشتر کشورهای اروپائی از طریق همکاری فرهنگی - اقتصادی - سیاسی و اجتماعی است. در مقابل سازمانهایی وجود دارند که وظایفشان صرفاً تخصصی است مانند جامعه ذغال و فولاد اروپا یا بازار مشترک اروپا که وظایفشان منحصرأ مربوط به فعالیت های اقتصادی است. از این رو رابرتسون شورای اروپا را با سازمان

ملل متحد مقایسه میکند که دارای وظایف کلی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است و حال آنکه سازمانهای تخصصی ملل متحد مانند سازمان خواربار و کشاورزی یا سازمان بهداشت جهانی هر یک در زمینه‌های جداگانه و تخصصی فعالیت میکنند. تقسیم‌بندی دیگر، متوجه اختیارات ارکان سازمانهای مورد نظر است: وظایف برخی از سازمانها صرفاً جنبه هم‌آهنگ کننده دارد و ارکان این سازمانها ارکان بین دولت‌ها یا حکومتها هستند (Inter-governmental) مانند شورای اروپا یا شورای وزیران ناتو. در این قبیل سازمانها کشورهای عضو حق حاکمیت خود را همچنان حفظ کرده‌اند و سازمان مربوط فقط عرصه و میدانی است که آنها را بدور هم گرد می‌آورد تا با مذاکره و تبادل نظر به توافق برسند. در مقابل برخی سازمانها مانند بازار ذغال و فولاد اروپا و تا حدی بازار مشترک یا جامعه اقتصادی اروپائی EEC دارای اختیارات فوق دول (Supranational) میباشند زیرا مرجع عالی در مورد ذغال و فولاد و کمیسیون در مورد بازار مشترک میتواند با اکثریت آراء تصمیمات مهمی اتخاذ کند که برای اتباع و شرکتهای موجود در کشورهای عضو مستقیماً و بلاواسطه لازم الاجراء باشد.

فصول کتاب برتیمب درباره این مسائل است: ۱- تحول وحدت اروپا ۲- شورای اروپا ۳- سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) ۴- اتحادیه اتلانتیک (NATO) ۵- اتحادیه اروپای غربی (EEG) ۶- جوامع اروپائی [مشمول بر الف- جامعه ذغال و فولاد اروپائی (EEC) ب- جامعه اقتصادی اروپائی (ECSC) ج- جامعه انرژی اتمی اروپائی (اوراتوم) (Euratom) د- تحول جوامع اروپائی] ۷- اتحادیه تجارت آزاد اروپا (EFTA) ۸- سازمانهای بیشتر فنی اروپائی ۹- سازمانهای کوچکتر (مانند کمیسیون مرکزی برای دریا نوردی رودخانه راین ۱۰- اتحادیه سیاسی اروپائی. در هر یک از فصول فوق، نویسنده هدف و وظایف - تشکیلات - اصولی که

۱- اکنون ارکان سه‌جانبه اروپائی یعنی بازار ذغال و فولاد - بازار مشترک و جامعه انرژی اتمی درهم ادغام شده‌اند بنابراین کمیسیون اوراتوم و مرجع عالی بازار ذغال و فولاد فقط یک کمیسیون وجود دارد ولی هنوز عهدنامه سه‌جانبه درهم ادغام نشده است.

مبنای تشکیل سازمان است و نیز تحولات مربوط آنرا مورد بررسی قرار میدهد. کتاب رابرتسون گرچه در زبان انگلیسی بعنوان یک متن استاندارد شناخته شده است ولی از آنجا که نویسنده حقوقدان است نه عالم سیاسی، دارای دیدی محدود است و میتوان گفت برداشت نویسنده بیشتر برداشت حقوقی و مبنی بر تفسیر متون عهدنامه و تصمیمات ارکان مربوط است تا تجزیه و تحلیل سیاسی، بعلاوه نویسنده با آنکه عنوان کتاب را سازمانهای «اروپائی» نام نهاده ولی اساساً کشورهای اروپای شرقی را «اروپائی» تلقی نکرده چون اصلاً اسمی از آنها بمیان نمیآورد و اساساً باین پرسش که چه چیز شکاف و تقسیم اروپا را تشدید کرد پاسخ درستی نمیدهد و اگرهم اشاراتی در این زمینه دارد یکطرفه و بادید کاملاً غربی است.



در این کتاب، نویسنده به بررسی تحولات سازمانهای اروپائی پرداخته و به تحلیل علل تشکیل آنها و نیز به بررسی نقش آنها در تحولات سیاسی و اقتصادی اروپا پرداخته است. در این کتاب، نویسنده به بررسی تحولات سازمانهای اروپائی پرداخته و به تحلیل علل تشکیل آنها و نیز به بررسی نقش آنها در تحولات سیاسی و اقتصادی اروپا پرداخته است.